

فیزیکهای گلی سپینهای گوردی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عزیزالله حاجی مشهدی

چکیده مقاله

همواره از «سینمای کودک» در دو بخش به نسبت مجزا از یکدیگر، یعنی فیلم‌هایی که «برای کودکان» یا «درباره کودکان» ساخته می‌شود، سخن به میان می‌آید.

بسیار کسان چنین می‌اندیشند که کار برای کودکان - چه در زمینه «نوشتن» و چه در عرصه «فیلمسازی» - نباید چندان هم دشوار باشد. به همین روی، وقتی پرسیده می‌شود: آیا فیلمسازی برای کودکان، آسان است؟ گاه، با پیش فرضی نادرست، اظهار می‌دارند که فیلمسازی برای کودکان نباید چندان دشوار باشد!

اگر به راستی باور کرده باشیم که کار برای کودکان، باید با وسواس بیش‌تری همراه باشد، تلاش خواهیم کرد تا در طرح هر موضوع ساده، در راستای ایجاد ارتباط با کودکان و نوجوانان و اولیاء و مربیان آنان، از دقت نظرها و دوراندیشی‌های لازم غافل نمانیم و همواره با پشتوانه آگاهی‌ها و پیش‌دانسته‌هایی درباره خلق و خوی و ویژگی‌های رفتاری گروه‌های سنی مختلف کودکان و نوجوانان، به کار فیلمسازی روی آوریم.

فیلم‌های کودکان و نوجوانان باید آمیزه‌ای از شادی، هیجان، حرکت، تلاش، سازندگی، نوع‌دوستی، محبت، ایثار و آشنایی با نشانه‌های خلقت باشد و باید که این عواطف مثبت را با بهره‌گیری بجا از عنصر «خیال» - تخیلی سازنده و پذیرفتنی - بتوان به مخاطبان این گونه فیلم‌ها، انتقال داد.

شاید ساده‌انگارانه باشد که فیلم کودک را به دلیل طرح داستانی ساده و غیر پیچیده آن، کاری ساده و غیرخلاقه به حساب آوریم.

سامان بخشیدن به «سینمای کودک» - به عنوان «سینمای آینده» - در دیار ما، به راستی نیازمند عزم و اراده‌ای ملی است.



هرگاه که از «سینمای کودک» سخنی به میان می‌آید، بی‌اختیار به یک تقسیم‌بندی آشنا و پذیرفته شده نیز اشاره می‌شود و از «سینمای کودک» در دو بخش به نسبت مجزا از یکدیگر، یعنی فیلم‌هایی که «برای کودکان» یا «درباره کودکان» ساخته می‌شود، سخن می‌رود.

سابقه سینمای کودک در ایران از سال ۱۳۴۵ فراتر نمی‌رود در این سال که «کانون پرورش

فکری کودکان و نوجوانان» برای نخستین بار با برگزاری جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان به سینمای کودک توجه نشان داد، زمینه ساز شرایطی شد که بعدها با ایجاد «مرکز سینمایی کانون» کار تولید فیلم نیز آغاز شد و سینمای کودک، با هویتی مستقل، در راهی تازه گام نهاد و سینماگرانی که به کار درباره کودکان شیفتگی و علاقه‌مندی ویژه‌ای داشتند، به تولید نخستین نمونه‌ها دست زدند. بعدها، در تلویزیون نیز، در گروه‌های «کودک و نوجوان» به طور عمده، با ساخته شدن فیلم‌های کوتاه داستانی یا مجموعه‌های تلویزیونی، گام‌های دیگری برداشته شد.

شکل‌گیری جشنواره‌های بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان که سنگ بنای زیرین آن در «کانون» بنیاد نهاده شد، فرصت مناسبی پدید آورد تا سینماگران ایرانی، با مشاهده نمونه‌های تولید شده در خارج از کشور - چه به لحاظ کیفی و چه از نظر مسابله فنی تولید - از طریق تبادل تجربه‌های سازنده، تأثیرهای مثبتی را پذیرا شوند. در دو دهه گذشته، در کنار «کانون» و «تلویزیون» به دلیل اهمیت و اعتبار تازه سینمای کودک، در «بنیاد سینمایی فارابی» نیز واحدی به

نام «واحد کودک و نوجوان» تاسیس شد که متولیان آن هدفی جز رونق بخشیدن به سینمای کودکان و نوجوانان در سر نداشتند. در همین راستا، تشکیل گروه سینماهای نمایش دهنده فیلم‌های کودکان و نوجوانان نیز حرکت شایسته‌ای بود که به دلایل نامعلومی، چندان دیر پای نبود.

کم رونق شدن فعالیت‌های فیلمسازی «کانون» - در قیاس با دهه‌های ۴۰ و ۵۰ - و غیر فعال شدن واحد کودک و نوجوان «بنیاد سینمایی فارابی» در عمل، تنها یک رقیب را در این عرصه، بی همتا، باقی گذاشت که همانا «تلویزیون» بود. چون در این نوشتار، قصد ارزیابی آثار تولید شده در تلویزیون را در سر نداریم، پس با گذشتن از این مقوله - که البته خود نیازمند نگارش مقاله‌ای مستقل می‌باشد - به بررسی ویژگی‌های کلی سینمای کودک می‌پردازیم.

«سینمای کودک» با فراهم آوردن مجموعه فیلم‌های کودکان و نوجوانان، باید آمیزه‌ای از شادی، هیجان، حرکت و تلاش، سازندگی، نوع دوستی، محبت و ایثار و آشنایی با نشانه‌های خلقت باشد. در چنین حالتی، فیلمسازی برای کودکان کار چندان آسانی نخواهد بود.

بسیاری از بزرگ‌ترها، چنین می‌اندیشند که کار برای کودکان - چه در زمینه «نوشتن» و چه در عرصه «فیلمسازی» - نباید چندان هم دشوار باشد! به همین روی، وقتی پرسیده می‌شود: آیا فیلمسازی برای کودکان، آسان است؟ گاه با پیش‌فرضی نادرست، اظهار می‌دارند که فیلمسازی برای کودکان نباید چندان دشوار باشد. به همین روی، گاه با همین پیش‌داوری ناسنجیده، دست به کار می‌شوند و با فراهم آوردن نمونه‌هایی ضعیف و غیرمنسجم، نخستین سند رسمی ناآشنایی و نادرست اندیشی خود در زمینه فیلمسازی برای کودکان و نوجوانان را با دست خود امضا می‌کنند!

اگر به راستی باور کرده باشیم که «کار برای کودکان» باید با وسواس بیش‌تری همراه باشد، تلاش خواهیم کرد تا در طرح هر موضوع ساده، در راستای ایجاد ارتباط با کودکان و نوجوانان و اولیاء و مربیان آنان، از دقت نظرها و دوران‌اندیشی‌های لازم غافل‌نمانیم و همواره با پشتوانه آگاهی‌ها و پیش‌دانسته‌هایی درباره خلق و خوی و ویژگی‌های رفتاری گروه‌های مختلف سنی کودکان و نوجوانان، به کار فیلمسازی روی

آوریم.

فیلم‌های کودکان و نوجوانان در نگاهی کلی، ساختار چندان پیچیده و غیرقابل دسترسی ندارد. از یک نظر، قالب کلی و ساختمان عمومی فیلم‌های کودکان و نوجوانان - با توجه به روند کلی تولید فیلم و به کارگیری وسایل، مواد و امکانات موردنیاز در «هنر - صنعت» فیلمسازی - با فیلم‌هایی که برای گروه‌های سنی بزرگسال ساخته می‌شود، تفاوت و دیگرگونی خاصی ندارد، اما فرآیند تولیدی هر یک از این گونه‌ها، با یکدیگر تفاوت چشمگیری دارد. آن چه در سینمای تجاری یا حتی در سینمای تجربی و غیرتجاری، برای عرضه و ارائه به بزرگسالان، شکل می‌گیرد، اگر «پرهیجان» و «پرحادثه» تلقی شود، چه با که برای مخاطبان کم سن و سال و برای کودکان و نوجوانان، «مخرب» و «ویرانگر» و «بدآموز» باشد. درست به همین دلیل است که در فیلمسازی برای کودکان یا درباره کودکان، فیلمساز، ناگزیر است که با مبانی دقیق روانشناسی کودک و دانش «رفتارشناسی»، آشنایی داشته باشد و برخوردی جدی نشان دهد و با شناخت دقیق خلق و خوی کودکان در مقاطع سنی مختلف و رشد جسمانی،

عاطفی، رفتاری و عقلانی، از واکنش‌های طبیعی یا غیرعادی آنان نیز برداشتی درست به دست آورد تا بتواند تفاوت میان رفتار «بهنجار» و «ناهنجار» را به خوبی دریابد و با پشتوانهٔ پیش‌دانسته‌های دقیق علم رفتارشناسی، در تولید فیلم‌های مناسب کودکان و نوجوانان، گامی مثبت بردارد.

اگر برای فیلم‌های کودکان بتوان مشخصه‌های دیرآشنایی را بازگو کرد، در نگاهی کلی با تأکیدی دوباره، چنین می‌توان گفت که:

فیلم‌های کودکان و نوجوانان، باید آمیزه‌ای از شادی، هیجان، حرکت، تلاش، سازندگی، نوع دوستی، محبت، ایثار و آشنایی با نشانه‌های خلقت باشد و باید که این عواطف مثبت را با بهره‌گیری به جا از عنصر «خیال» - تخیلی سازنده و پذیرفتنی - بتوان به مخاطبان این گونه فیلم‌ها انتقال داد.

در این رهگذر، اگر فیلمسازی آگاه، با پشتوانهٔ پیش‌دانسته‌های «روان‌شناختی» بتواند با استفادهٔ به جا از عنصر کارساز و ثمربخش «تخیل سازنده» فضایی فراهم سازد که عنصر نقشمند «خیال»، در جهت «خلاقیت» و نوآوری و دوباره‌سازی و

بازآفرینی حرکت‌های مثبت انسانی و سازنده به کار گرفته شود، بی‌تردید، گامی هوشیارانه برداشته خواهد شد. در چنین صورتی، کودکان ما، یاد خواهند گرفت که در رویارویی با دشواری‌های طبیعی و پیش‌پا افتاده، نقش وجودی خویش را کارساز بدانند و با حرکت‌هایی مثبت، نقش «فعال» داشته باشند و از نشان دادن هرگونه روحیهٔ اینفعلی آمیخته با دل‌مردگی، ناامیدی و تاریک اندیشی جانفرسا، پرهیز کنند.

اگر بخواهیم که از میان عمده‌ترین نشانه‌ها و نشانی‌های موجود در فیلم‌های مناسب ویژهٔ کودکان و نوجوانان، به نمونه‌هایی دیگر نیز اشاره‌ای داشته باشیم، بی‌تردید، چند نشانهٔ زیر را نیز نباید از یاد ببریم:

- وفاداری به اصول کلی روانشناسی کودک در طرح مسایل رفتاری کودکان.

- پرهیز از به‌کارگیری زبان استعاری و پُر راز و رمز.

- سادگی بیان و پرهیز از نمایش صحنه‌ها و نماهای نمادین.

- تأکید بر تخیل سازنده و مثبت، به گونه‌ای که نشانگر برآورده شدن آرزوهای قلبی کودکان باشد.

- برآورده شدن آرزوهای مثبت و انسانی خاصی که در دنیای واقع، کم‌تر امکان تحقق خواهد داشت.

- استفاده دقیق از نقش تخیل «جان‌بخش» کودکان در رویارویی با اشیاء، درختان و دیگر ساخته‌های بی‌جان مصنوعی و عناصر طبیعی.

- رعایت زمان مناسب و طول فیلم‌ها، با توجه به میزان قدرت تمرکز کودکان.

- به‌کارگیری جاذبه‌های تصویری و «دیداری» - شنیداری» مناسب (اعم از: رنگ، نور، صدا، موسیقی، سایه - روشن‌های (دلنواز) در کنار جذابیت‌هایی چون: خوش‌آوایی و هماهنگی‌های شنیداری و موسیقایی و کلام متناسب و به‌کارگیری آواهای طبیعی.

- ریشه‌یابی دقیق نابهنجاری‌های رفتاری کودکان، بر مبنای پژوهش‌های تجربی و علمی. برای داشتن فیلم‌هایی مناسب در عرصه «سینمای کودک» شاید لازم باشد که از طریق برنامه‌ریزی‌های دقیق، در سایه نوعی همفکری و هم‌اندیشی صمیمانه، میان پدیدآوردگان ادبیات داستانی کودکان و نوجوانان و فیلمسازانی که در عرصه سینمای کودک فعالیت دارند، فضایی

مناسب ایجاد کرد که در نهایت، برآیند مجموعه تلاش‌ها به رونق و رشد و اعتلای سینمای کودک منجر شود.

شاید ساده‌انگارانه باشد که فیلم کودک را به دلیل طرح داستانی ساده و غیرپیچیده آن، کاری ساده و غیرخلاقه به حساب آوریم.

سامان بخشیدن به سینمای کودک در دیار ما، به راستی نیازمند عزم و اراده‌ای ملی است.

در چند سال اخیر، «خانه سینما» (مجمع صنف‌های مختلف سینمایی کشور) تلاش کرد تا با حضور فیلمسازانی که در عرصه سینمای کودک فعالیت دارند، یک صنف مستقل و تازه‌نفس را در کنار سایر اصناف سینمایی موجود در خانه سینما، فعال سازد، اما، در عمل، به توفیق چندانی دست نیافت!

شاید بتوان گفت که در حال حاضر، سینمای کودک، در ایران، متولی مشخصی ندارد و همین امر باعث شده است تا صاحب‌نظران و دارندگان طرح‌ها و اندیشه‌های تازه برای فعال‌سازی این شاخه از فیلمسازی کشور، محل مراجعه مشخصی نداشته باشند!

تردید نیست که ارتقای کیفی فیلم‌ها در

سینمای کودک، به آدم‌هایی متخصص و آشنا با سینمای کودک، نیاز دارد.

تقویت جشنواره‌های فیلم، از نوع جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان، به شرط آن که در سطحی ملی و فراگیر انجام پذیرد، یکی از راه‌های مناسب رونق بخشیدن به بازار سینمای کودک خواهد بود.

تلویزیون - به عنوان سازمانی بی‌رقیب - باید در زمینه انتخاب و خرید فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی ویژه کودکان و نوجوانان با وسواس و دقت نظر بیشتری، اقدام نماید. تماشای فیلم‌هایی که از آن‌ها رنگ و بوی نفرت، کینه، ترس و وحشت برخیزد، به هیچ روی، به سود سینمای کودک نخواهد بود. سینمای کودک، با بدآموزی‌های کلامی و تصویری بیگانه است.

تلویزیون نمی‌تواند - و نباید که - به بهانه گرمی بازار پُر رونق عرضه محصولات کارتونی و رایانه‌ای پُر تنوع - که رنگ و بویی کاملاً تجاری و غیرهنری دارند - از حمایت سینماگران صاحب اندیشه و خلاق سینمای کودک، دست بردارد. بخش جذاب‌ترین آثار تلویزیونی خارجی و بیگانه با نشانه‌های قومی و فرهنگی ما، در حالی که تنها با

هدف «سرگرمی» و پُر کردن اوقات فراغت، ساخته می‌شوند و در آن‌ها از پیام‌های انسانی کم‌ترین نشانه‌ای نمی‌یابیم، نمی‌تواند توجهی منطقی داشته باشد.

اکنون، در نخستین سال‌های آغازین قرن تازه، حتی وجود نویسنده‌ای پُرآوازه - همچون «جسی، کی، رولینگ» نویسنده مجموعه داستان‌های پرفروش «هری پاتر» - نیز که گویی رونق تازه‌ای به سینمای جهان بخشیده است برای ما نمی‌تواند چندان دلخوش‌کننده باشد. به ویژه که می‌دانیم، با در نظر گرفتن ویژگی‌های اساسی سینمای کودک، کم‌ترین نشانه‌های لازم برای سینمای سالم و مورد تأیید و مناسب دنیای بی‌غُل و غش کودکان و نوجوانان را نمی‌توان در این گونه آثار پیدا کرد.

بسیاری از منتقدان اعتقاد دارند که رواج بی‌حد و حصر فیلم‌هایی که به اصطلاح «درباره کودکان» ساخته می‌شود، به هیچ روی به سود سینمای کودک نیست. شاید، در شرایطی مناسب‌تر بتوان زمینه مساعدی برای فعالیت کودکان و نوجوانان فراهم آورد تا خودشان دست به تولید فیلم‌هایی بزنند که موردپسند هم سن و

سالان آنان باشد. بد نیست که برنامه‌ریزان امور سینمایی، به این بخش از کار نیز - در عرصه سینمای کودک - اهمیت دهند. کودکان دوست دارند که در فیلم‌هایشان از همدلی آدم‌ها، از دوست داشتن‌ها و از تبدیل رؤیاهای شیرین به واقعیت‌هایی ملموس سخن به میان آورند. آیا به راستی وقت آن فرا نرسیده است که به کودکان و نوجوانان خلاق خود اعتماد کنیم و دست آنان را در عرصه تولید فیلم‌های تجربی باز بگذاریم؟

چرا باید فیلمسازی که در عرصه سینمای حرفه‌ای و تجاری دارای سلیقه‌هایی گیشه‌پسند می‌باشند، با ساختن فیلم‌هایی با ضربآهنگ کند و کیشدار، کودکان ما را خسته کنند؟ ما به خوبی می‌دانیم که کودکان، از ماجراجویی بدشان نمی‌آید، اما وقتی در فضای فیلم‌های ماجراجویانه، از جدایت و شیرینی، نشانی نباشد، کودکان از پرماجرترین فیلم‌ها نیز به زودی دلزده می‌شوند. حتی باهوش‌ترین کودکان نیز، به دلیل شرایط جسمی، عاطفی و روحی خاص خود، پذیرای مباحث جدی و سنگینی - مثلاً از نوع بحث و جدل‌های فلسفی - نیستند. به همین روی، سینماگران ما، نمی‌توانند به بهانه رشد و پرورش

فکری آنان، در فیلم‌هایشان به مباحث فلسفی و حرف‌هایی که درک و هضم آن، حتی برای بزرگسالان نیز دشوار است، بپردازند.

سینمای کودک، وظیفه گرما بخشیدن و شورآفرینی به قلب و روح کودکان را بر عهده دارد. بی‌تردید، فیلمسازی در این عرصه، به موفقیت نسبی دست خواهند یافت که در آثارشان، از گرمی، از شور و از نشاط بتوان نشانه یافت. کودکان از چنین آثاری، به راستی نیرو می‌گیرند و از تماشای فیلم‌هایی که در آن‌ها از رنگ و نور و نشاط و گرمی، خبری نباشد، به شدت دلزده می‌شوند.

در سینمای کودک، باید برای مفاهیمی چون «واقع‌گرایی» و «باورپذیری» تفسیرهای تازه‌ای ارایه شود. «واقع‌گرایی»، در سینمای کودک، نیازمند تأمل ویژه‌ای است. گاه، فیلمی به شدت «واقع‌گرا» موردپسند و علاقه کودکان قرار نمی‌گیرد و گاه نیز، برداشتی خلاقانه از یک واقعیت ساده، - حتی واقعیتی دگرگون شده - می‌تواند برای کودکان مطبوع و دلپذیر باشد. چرا فیلم ساده و در عین حال قابل تأملی هم چون «نان و کوچه» (ساخته عباس کیارستمی) چندان مورد

داشته‌اند.

به نظر می‌رسد که با دگرگون شدن پُرشتاب زندگی، در سالهای آغازین قرن بیستم، برای تداوم بخشیدن به سینمای کودک، باید به پی‌ریزی‌های تازه دست زد. با نزدیک شدن شکفت‌انگیز و پُرشتاب راه‌های ارتباط کودکان در جای جای جهان امروز، چه بسا که باید به ویژگی‌های تازه‌ای فکر کرد که بیش از هر چیز بر «همه جایی بودن» و «فراگیر بودن» آن‌ها تأکید شود، و سینمای کودک در مسیر جست و جوی تازه بر وجه جامعه‌شناسانه فیلم‌ها نیز توجهی خاص، نشان دهد.

«سینمای کودک»، در آینده می‌تواند، به عنوان روزنه‌ای امیدوارانه در عرصه فیلمسازی این دیار، در حکم «سینمای آینده»، شرایط مطلوب و مناسبی فراهم سازد که در آن، کودکان، از طریق «دیدن» و تماشا، با پدیده‌های پُرشکفت و پُرتنوع قرن تازه، آشنا شوند و در همه حال، لحظه به لحظه، به حس کنجکاوی کودکان، به درستی پاسخ داده شود و با ساخته شدن فیلم‌هایی که بر جنبه‌های آهنگین و موسیقایی بودن آن‌ها بیش‌تر اهمیت داده می‌شود،

توجه کودکان قرار نمی‌گیرد، در حالی که فیلم دیگری همچون «عمو سیلو» (ساخته بهرام بیضایی) به شدت مورد توجه کودکان واقع می‌شود؟ در حالی که هر دو فیلم در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به عنوان آثاری متعلق به «سینمای کودک» ساخته می‌شود، به راستی چرا با چنین برخورد دوگانه‌ای روبه‌رو می‌شویم؟

به نظر می‌رسد که در «سینمای کودک» فیلمسازان نباید به انگیزه خوشایندی بزرگ‌ترها (اولیاء، مربیان و به ویژه منتقدان) فیلم بسازند! بازنگری آثار فیلمسازان صاحب نامی همچون: عباس کیارستمی، مسعود کیمیایی، بهرام بیضایی، شاپور قریب، ابراهیم فروزش، مجید مجیدی، محمدعلی طالبی، ابوالفضل جلیلی، کامبوزیا پرتوی، جعفر پناهی، خسرو معصومی، کیومرث پوراحمد، ایرج کریمی، پوران درخشنده، حمید جبلی و... به خوبی نشان می‌دهد که اوج و فرود کارهایشان در سینمای کودک، تنها، زمانی چشمگیرتر به نظر می‌آید که ضمن وفاداری به معیارهای کلی سینمای کودک، بیش از هرکسی به کودکان و خلق و خوی و طبیعت ویژه آنان توجه

جذابیت‌های «دیداری - شنیداری» قابل‌اعتنایی در سینمای کودک پدید آید. فیلم‌هایی که با زبان غیرمستقیم، بر مبانی آموزشی نیز تأکید نماید و با آرایه‌انگاره‌های شخصیتی مناسب و قهرمان پروری‌های مطلوب، به معرفی الگوها و انگاره‌های معقولی پردازد که کودکان، به پیروزی و شکست آن‌ها دلبستگی نشان دهند.

تنها با فراهم آوردن چنین شرایط مساعدی، می‌توان به «سینمای کودک» - به عنوان «سینمای آینده» - امید داشت و فردای روشن‌تری را برای این شاخه پُر جاذبه در عرصه هنر - صنعت سینما و فیلمسازی، انتظار داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی